

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۶

بررسی و معرفی تذکره‌های خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران^۱

دکتر سید فرشید سادات شریفی^۲

محقق مهمان موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا

دکتر علی اکبر صفی‌پور^۳

دکتری تاریخ ایران اسلامی

چکیده

مقاله حاضر به بررسی و معرفی دست‌نوشته‌های (نسخ خطی) محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. در این نوشته، پس از بیان مقدمات (شامل مروری بر تذکره و تذکره‌نویسی و جایگاه آن در زبان فارسی، بیان ضرورت و اهمیت پرداختن به نسخ خطی، مرور اجمالی اهم پژوهش‌های پیشین و تازه‌ترین یافته‌ها و معرفی وظایف و فعالیت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در بخش نسخ خطی)، ابتدا تذکره‌های موجود در این سازمان بر اساس مواردی چون تعداد، گستره زمانی (تاریخی) و موضوعات اصلی نسخ دسته‌بندی شده‌اند و سپس مشخصات نسخ، بر

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۷

۱ تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۵

^۲ fsadatsharifi2@gmail.com

^۳ aliakbar.safipor@yahoo.com

اساس اطلاعات موجود از تذکرة‌های ادبی، به‌شکلی مفصل‌تر، معرفی و همچنین اطلاعات آن‌ها نیز در پیوست مقاله عرضه گردیده است.

واژه‌های کلیدی

نسخ خطی، تذکرة‌ها، تذکرة‌های خطی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، نسخه‌پژوهی.

۱. مقدمه

۱-۱. تذکرة چیست؟

تذکرة در زبان فارسی اصطلاحی است که به مجموعه یا کتابی تدوین‌شده در باب احوال طبقات خاص (چون شعرا، نویسندگان، عرفا، فقها و مانند آن) گفته می‌شود؛ اما در زبان عربی کتاب‌های بسیار با موضوعات گونه‌گون و پراکنده را می‌توان به دست داد که «تذکرة» نام دارند^۱ و این نکته نشان می‌دهد که تازیان، در این نوع نام‌گذاری، بیشتر به معنای لغوی کلمه «یادکرد» توجه داشته‌اند، نه معنی اصطلاحی پیش‌گفته (برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، منابع زیر را با یکدیگر مقایسه کنید: جُر، ۱۳۸۷: ۵۵۱؛ دبیرسیاقی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۰۵۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۵۶۷).

بدین ترتیب، در عرف اهل علم و ادب، این عنوان به کتب حاوی تراجم احوال بزرگان و مشایخ اطلاق می‌شده است (همانند تذکرة عرفا، تذکرة شعرا و تذکرة فضلا و نظایر آن)؛ اما امروزه، «تذکرة»، بیشتر به کتب دربردارنده شرح احوال و نمونه آثار شاعران و ادبا گفته می‌شود که ظاهراً این کاربرد اخص از تذکرة الشعراى دولتشاه سمرقندی مقتبس است.

به‌علاوه، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (به‌عنوان مفصل‌ترین دانش‌نامه فارسی)، با نگرشی جامع، تذکرة‌ها را به چهار اعتبار از یکدیگر متمایز کرده است: الف. استقلال (شامل

تذکره‌های مستقل و تذکره‌نگاری ضمن کتب دیگر به‌ویژه تواریخ سلاطین و وزرا یا «کشکول‌گونه‌ها» چون کتب «بیاض»، «جنگ»، «خریطه»، «کشکول» و «کراسه»؛ ب. موضوع تذکره؛ پ. دایره شمول (تذکره‌های عمومی یا خصوصی)؛ ت. اهمیت تذکره‌ها که به مسائلی چون عمومیت، شمار شاعران، حجم اشعار و صورتگری (مصور بودن تذکره‌ها) بازمی‌گردد (نک: حسنی، ۱۳۸۵ ب).

۲-۱. نگاهی اجمالی به تذکره‌نویسی و جایگاه آن در زبان فارسی و جوامع فارسی‌زبان

عرف محققان در بررسی کارنامه پربرگ و بار تذکره‌نگاری چنان است که این گنج عظیم را ذیل سه قلمرو جغرافیایی (ایران، شبه‌قاره هند و ماوراءالنهر) برمی‌رسند؛ اما ما در اینجا برای رعایت اختصار، فقط به دو قلمرو نخست می‌پردازیم و در بررسی شبه‌قاره نیز بر خود هند متمرکز خواهیم بود:

۱-۲-۱. در قلمرو ایران زمین

گرچه به‌وضوح و قطعیت نمی‌توان گفت که تذکره‌نگاری از چه دوره‌ای در ایران رایج شده است، اگر بنا را بر حکم کردن بر آثار موجود (آنچه باقی مانده و به دست ما رسیده) بگذاریم، از میراث ادبی ایران پیشااسلامی تذکره‌ای سراغ نداریم و در عهد اسلامی نیز تا آغاز سده ششم قمری کتابی مستقل در شرح حال شاعران فارسی نمی‌شناسیم و گرچه نظامی عروضی سمرقندی در مقاله دوم کتاب چهارمقاله (نگاشته در ۵۰۵ ق)، اسامی شماری از شعرای قدیم ایران (معاصران امرای سامانی و غزنوی و سلجوقی و غوری) را با شرح احوال مشاهیر چون رودکی، عنصری، فرخی، معزی، فردوسی، ازرقی، رشیدی و مسعود سعد سلمان آورده است، نمی‌توان آن را سرآغاز تذکره‌نگاری شمرد (چون مقصود اصلی مصنف آن، گردآوری ترجمه احوال شعرا) نبوده است^۳ و بدین ترتیب باید ردای پیش‌کسوتی را بر دوش صاحبان لباب الالباب (از سدیدالدین محمد عوفی، نگاشته ۶۱۸ ق) و تذکره الشعرا (دولت‌شاه سمرقندی، تألیف ۸۹۲ ق) افکند که دیگر تذکره‌نگاران غالباً اطلاعات خود را درباره

شعراى قرن ۳ تا ۷ق از این دو تذکره اقتباس کرده‌اند (نک: نقوی، ۱۳۴۳: ۵۶). همچنین شایان یادکرد است که در گذر قرون (به‌ویژه در قرون نهم تا چهاردهم)، تذکره‌نگاری به زبان پارسی رشدی فزاینده داشته است که گلچین معانی آن را چنین منعکس کرده است: سده ششم ۴ تذکره؛ سده هفتم ۱ تذکره؛ سده هشتم ۲ تذکره؛ سده نهم ۷ تذکره؛ سده دهم ۳۳ تذکره؛ سده یازدهم ۵۸ تذکره؛ سده دوازدهم ۷۲ تذکره؛ سده سیزدهم ۱۵۲ تذکره و سده چهاردهم ۲۰۱ تذکره (نک: گلچین معانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۸۷۱-۹۱۶).

۱-۲-۲. پیوند تذکره‌نویسی فارسی با سرزمین هند

ظاهراً زبان فارسی از زمان سبکتکین در پیشاور و نواحی آن و در زمان سلطان محمود از قسمت شمال غربی این کشور وارد هند شده و برای اولین بار زبان رسمی و ادبی این نواحی شده است و این پیوند دیرپا سبب شده که سرزمین پهناور و فرهنگ‌پرور هند با تألیف کتب فارسی ارزشمند (و از جمله تذکره‌ها) نیز پیوندی استوار داشته باشد.

از این منظر، پیوند هند با تذکره‌نگاری پارسی را می‌توان ذیل دسته‌های زیر جای داد:

۱-۲-۲-۱. هند به‌مثابه جایگاهی امن برای اهل قلم فارسی‌زبان

میزبانی یکی از کهن‌ترین تذکره‌الشعراهای جامع و تفصیلی (باب‌الالباب)، مجملی است که حدیث مفصل این تیترا را توضیح می‌دهد. باری در کتب تاریخی و تذکره‌ها از شاعران نوازی تیموریان هند بسیار گفته‌اند؛ برای نمونه، در تذکره میخانه در ذکر شاعران نوازی آنان آمده است: «این مثل میان عالمیان اشتهار سرشاری دارد که هرکس یک نوبت گشتِ هند نمود و بهره از این ملک فیاض برداشت، وقتی به ایران رفت، اگر در راه این سرزمین و این بلاد نمیرد البته در آرزوی این خاکِ مراد می‌میرد» (نقوی، ۱۳۴۳: ۳۵ تا ۳۳). به‌علاوه، پیش از برآمدن ایشان و از زمان حمله مغول، بسیاری از شاعران از ایران به هند پناه بردند؛ از جمله آنان می‌توان سدیدالدین محمد عوفی نویسنده کتاب ارزشمند *باب‌الالباب* (سده هفتم) و منهاج سراج صاحب *طبقات ناصری* را یاد کرد که شاهان هند ایشان را حمایت می‌کردند و آن ادبا نیز

متقابلاً کتاب‌های خود را به نام شاهان می‌آراستند؛ چنان‌که عوفی تذکرة خود را به نام عین‌الملک فخرالدین حسینی (وزیر ناصرالدین قباچه) و ترجمه فارسی *الفرج بعد الشدة* را به نام خود ناصرالدین و *جوامع الحکایات* را به فرمایش همو شروع و سپس به فرمایش نظام‌الملک قوام‌الدین جنیدی (وزیر التتمش) تمام نمود (نک: ترابی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۶۵). همچنین، نگارش تذکرة‌های مهم و فارسی (به جز *لباب الالباب*) در هند تداوم داشته است که به‌عنوان نمونه‌ای از این امر می‌توان به تذکرة‌های زیر (در حد فاصل سده‌های دهم تا سیزدهم قمری) اشاره کرد: *مجمع النفایس* (۱۱۶۳ تا ۱۱۶۴ق) از شیخ سراج‌الدین علی‌خان متخلص به آرزو و ملقب به استعدادخان؛ *کلمات الشعرا* (۱۰۹۳ق) از محمد افضل سرخوش؛ *مرآت الخیال* (۱۱۰۲ق) اثر امیر شیرعلی‌خان لودی؛ *همیشه بهار* (۱۱۳۶ق) از کشن چنداخالص دهلوی؛ *سفینه خوش‌گو* (۱۱۴۷ق) از بُندارین داس، متخلص به خوش‌گو؛ *تذکرة حسینی* (۱۱۶۳ق) از امیر حسین دوست سنهلی؛ *سرو آزاد* (۱۱۶۶ق) و *خزانه عامره* (۱۱۷۷ق) از آزاد بلگرامی؛ *مقالات الشعرا* (۱۱۷۴ق) اثر علی‌شیر قانع تتوی و *مردم دیده* (۱۱۷۵ق) از عبدالحکیم حاکم (نک: نقوی، ۱۳۴۳: ۳۲۲-۳۴۳؛ فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۹-۲۹۱).

۱-۲-۲. اهمیت هند و تذکرة‌های آن در نقد ادبی: بخش عمده‌ای از تذکرة‌های فارسی هند همانند تذکرة‌های ایرانی رویکردی غیرنقدانه دارند؛ اما شیوه منتقدانه نگارش نیز در هند یافت می‌شود که ملاحظات علی‌قلی‌خان والة داغستانی در صفحات متعددی از *ریاض الشعرا* یاد کرد که شکل تکمیل‌شده و منتقدانه‌تر این نگاه را در رساله *تنبيه الغافلین فی الاعتراض علی اشعار الحزین* می‌توان سراغ گرفت که از یک سو، جریانی در انتقادات و معارضات ادبی را نشان می‌دهد و از دیگر سو، منعکس‌کننده غنای واژگانی و مفهومی پارسی‌زبانان هند از نظر اصطلاحات بوم و در عین حال علمی نقد ادبی است. عنایت به این نکته سبب می‌شود که ارزش تذکرة‌های دارای مؤلفان نقاد (چون *ریاض الشعرا*) در ترسیم پیشینه و تاریخچه نقد ادبی در قلمرو تمدن فارسی‌زبان، بیش از پیش روشن شود.^۴

۳-۱. بیان ضرورت و اهمیت پرداختن به نسخ خطی

ضرورت توجه به نسخ خطی به‌عنوان میراث تمدنی ایران چنان آشکار است که کوشش برای اثبات ضرورت و اهمیت آن مانند کوشیدن در اثبات روشنی آفتاب است و بنابراین ناگفته پیداست که پرداختن به این دست‌نوشته‌های ارزشمند، مساوی با نادیده‌گرفتن این گذشته و انکار هویت فرهنگی ماست و به‌عکس هر فرد یا نهادی که به نسخه‌های خطی توجه کند، به ملیت و هویت ایرانی اهتمام ورزیده است.

از این منظر، تذکره‌ها در زمره اسنادی محسوب می‌شوند که نگاه‌داشت و نکوداشت آن‌ها اعم از مراقبت فیزیکی به‌نحو احسن، فهرست‌نویسی، و نیز کمک به محققان (فراهم کردن زمینه معرفی‌ها و بررسی‌های نقادانه و تفصیلی، و حتی تصحیح انتقادی و نشر نسخ ارزش‌مندتر) از وظایف مراکز دارنده آن از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی محسوب می‌شود؛ چون تذکره‌ها به‌عنوان اسنادی «هویت‌ساز» عمل می‌کنند که تمام وظایف مهم زیر را بر عهده دارند:

حفظ نام و نمونه آثار گویندگان و نویسندگان گمنام یا کمتر شناخته (مانند اهمیت لب‌باب‌الالباب در شناخت نام و آثار صاحب‌قلمان قرون سوم و چهارم)؛ داشتن نقشی کلیدی در فهم و ترسیم سیر و تحول شعر فارسی؛ اسنادی مهم در شناخت وضع اجتماعی فرهنگی قرون گذشته؛ ارزش تذکره‌های دارای مؤلفان نقاد در ترسیم پیشینه و تاریخچه نقد ادبی در قلمرو تمدن فارسی‌زبان (که پیش‌تر از آن سخن گفتیم)؛ اهمیت مردم‌شناختی تذکره‌ها و حکایات و افسانه‌های مندرج در لابه‌لای سطور آن‌ها در شناخت روحیات جمعی و قومی فارسی‌زبانان (اهمیت از بعد مطالعات فرهنگی؛ نک: فتوحی و وفایی، ۱۳۸۸: ۷۱-۱۲۶)؛ اهمیت گزینش (نمونه‌های شعری تذکره‌های ادبی در مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات و جامعه‌شناسی (مبحث «جامعه‌شناسی ذوق ادبی»)) و همچنین ویژگی‌های خوشنویسی، تذهیب و به‌طور کلی نحوه کتابت و کتاب‌سازی در گذشته.

۱-۴. چستی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در بخش نسخ خطی

۱-۴-۱. تاریخچه

کتابخانه کوچکی که پس از تأسیس دارالفنون و به سال ۱۲۸۰ق/۱۲۴۳ش در تهران کار خود را آغاز کرد، هسته اولیه کتابخانه ملی ایران شد که ۷۳ سال بعد در سوم شهریور ۱۳۱۶ش رسماً در تهران گشایش یافت و یکی از مظاهر تجدد در کشور به شمار می‌رفت. نخستین ساختمان کتابخانه ملی به پیشنهاد مهدی بیانی (رئیس کتابخانه معارف که بعداً در کتابخانه فردوسی ادغام شد و در نهایت به کتابخانه ملی تغییر نام داد)، با پیگیری علی‌اصغر حکمت، وزیر وقت معارف، تأسیس گردید.

این کتابخانه که در قسمت شمالی ساختمان موزه ایران باستان (در زمینی به مساحت حدود ۳۵۰۰ متر مربع) و با نقشه‌ای از آندره گدار (باستان‌شناس و معمار فرانسوی، که نقشه موزه ایران باستان را تهیه کرده بود) بنا شد، تدریجاً با تحویل کتب مختلف به آن (از جمله کتب کتابخانه معارف، کتب مکرر چاپی و خطی کتابخانه سلطنتی، کتابخانه بانک استقراضی روسیه و نیز کتب اهدایی) غنی گردید و سرانجام با کتبی که بر روی هم سی هزار نسخه خطی و چاپی بالغ می‌شد، به ساختمان جدید تا جنب موزه ایران باستان منتقل و با نام «کتابخانه ملی ایران» در سوم شهریور ۱۳۱۶ برابر ۱۳۵۶ق افتتاح شد و حبیب یغمایی ماده تاریخ افتتاح آن را چنین سروده است: «ز فردوسی آموز تاریخ آن / میاسای زآموختن یک زمان».

و سرانجام پس از گذشت ۶۲ سال از فعالیت این مرکز، در ۱۳۷۸/۸/۲۹ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در کتابخانه ملی ادغام شد و عملاً تعداد ساختمان‌های کتابخانه ملی به هشت ساختمان افزایش یافت.

اتفاق مهم دیگری که در دهه ۱۳۸۰ در آن روی داد، ادغام سازمان اسناد ملی کشور با کتابخانه ملی ایران و تأسیس «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی» بود. شورای

عالی اداری در نودوپنجمین جلسه، مورخ دوم شهریور ۱۳۸۱، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور «و به منظور سامان‌دهی مدیریت اسنادی و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر، و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن، و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از انجام وظایف تکراری» کتابخانه ملی این ادغام را تصویب کرد (نک: مرادی، ۱۳۷۲).

در بند ج ماده ۲ این تصویب‌نامه که به امضای معاون وقت رئیس‌جمهور و دبیر شورای عالی اداری رسیده، آمده است: «وظایف و مأموریت‌های تخصصی سازمان اسناد ملی ایران و همچنین کتابخانه ملی در قالب دو معاونت مستقل، با عنوان کتابخانه ملی و اسناد ملی با برنامه مستقل در قوانین بودجه سنواتی فعالیت خواهند نمود.»

بار دیگر در ماده ۳ تصویب‌نامه بر این استقلال مهر تأیید زده شده است. «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ مجلس شورای اسلامی، اداره می‌شود و قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۷ در همه موارد به استثنای مواردی که با اساسنامه فوق‌الذکر مغایرت دارد، لازم‌الاجرا می‌باشد.» تصویب‌نامه بر «ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای پژوهشی سازمان‌های تجمیع‌شده [سازمان اسناد و کتابخانه ملی] در یک سازمان‌دهی و واحدهای مربوط «تأکید می‌کند و از سازمان تازه تأسیس می‌خواهد که ...» تشکیلات خود را حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه و به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» برساند [بندهای الف، ب، ج، د ماده یک تصویب‌نامه] و مجدداً در تبصره ماده ۶ بر مهلت سه‌ماهه تأکید می‌کند. در ماده ۴ تصویب‌نامه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، «وظایف مربوط به سامان‌دهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی و تنظیم روش‌های نگهداری و بایگانی از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» را برای خود

محفوظ نگه می‌دارد و عملاً و به‌درستی، کار گردآوری، بررسی، امحا و بالاخره نگهداری اسنادی را که به دلایل ملی ارزش آرشیوی دارند، به معاونت اسناد ملی «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» واگذار می‌کند. همچنین در ماده ۵ تصویب‌نامه از سازمان جدیدالتأسیس می‌خواهد که «به‌منظور استانداردسازی و استفاده از اسناد، حداکثر ظرف مدت شش ماه، استانداردهای مربوط به فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، و زمینه ایجاد شبکه را تدوین و به واحدها و مؤسسات اسنادی کشور ابلاغ نماید. و بالاخره در ماده ۷ تصویب‌نامه آمده است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات لازم را تأمین کند تا سازمان اسناد و کتابخانه ملی «امکان فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، اسکن اسناد ملی و شبکه‌سازی آن‌ها» را به وجود آورد.

برابر نمودار تشکیلاتی مصوب دی ۱۳۸۱، ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به انتخاب هیئت امنای سازمان انتخاب و با حکم ریاست جمهوری منصوب می‌گردد. هیئت ممیزه و شورای اسناد ملی دو بازوی مشورتی و کمکی ریاست سازمان هستند و زیر نظر او چهار معاونت کتابخانه ملی، معاونت اسناد، پژوهش، برنامه‌ریزی و فناوری و معاونت پشتیبانی انجام وظیفه می‌کنند. در این میان، از مجموعه ادارات کل معاونت کتابخانه ملی، یکی نیز اداره کل کتاب‌های خطی و نادر است که وظیفه گردآوری، سازمان‌دهی و به‌خصوص حفظ و نگهداری کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و نادر با آن است.

۱-۴-۲. اهداف و وظایف

در قانون تأسیس اسناد ملی ایران (مصوب ۱۳۴۹)، اهداف آن چنین ذکر شده است: «به‌منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به

دولت و امحای اوراق زاید سازمانی به نام سازمان اسناد ملی ایران وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأسیس می‌گردد.» این موارد با توجه به تغییر نیازها، پیشرفت فناوری و ادغام این سازمان با کتابخانه ملی بدین شکل گسترده و بازتعریف شده است: گردآوری، حفاظت، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب در ایران و یا متعلق به ایرانیان خارج از کشور و در زمینه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی آثار معتبر علمی، فرهنگی و فنی از کشورهای دیگر؛ پژوهش و برنامه‌ریزی علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ شرکت در تحقیقات و فعالیت‌های بین‌المللی ذی‌ربط؛ اتخاذ تدابیر لازم برای صحت، سهولت و سرعت امر تحقیق و مطالعه در همه زمینه‌ها به‌منظور اعتلای فرهنگ ملی و انجام تحقیقات مرتبط؛ انجام مشاوره، نظارت، هدایت و ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کتابخانه‌های کشور؛ ارائه روش‌های مطلوب به‌منظور هماهنگ کردن خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های ملی، عمومی و تخصصی جهت تسهیل مبادله اطلاعات (نک: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶).

۲. متن (بررسی تذکره‌های موجود)

۲-۱. تعداد نسخ

در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از سی و چهار هزار نسخه خطی فارسی نگهداری می‌شود که بر اساس رکوردهای مندرج در سایت سازمان مجموعاً ۲۴۵ مورد از دست‌نوشته‌های فارسی نام تذکره دارند^۵ یا به‌عنوان تذکره ثبت شده‌اند که از این میان، ثبت مشخصات جزئی و کامل ۸۶ مورد به پایان رسیده و دارای «شماره کتاب‌شناسی ملی» اند (که مشخصاتشان به مقاله حاضر پیوست شده است) و باقی آن‌ها (۱۶۱ مورد) فقط ثبت اولیه شده و «شماره بازیابی» دریافت کرده‌اند.

۲-۲. وضعیت استنساخ دست‌نوشته‌ها

از میان کل نسخ یادشده، ۱۲۷ دست‌نوشته دارای وضعیت استنساخ مشروح است، که نکات مندرج در این توضیحات را می‌توان در قالب جداول زیر نشان داد:

جدول ۱: وضعیت کلی زمان کتابت نسخ

ثبت شده با زمان کتابت مشخص	ثبت شده با زمان کتابت نامشخص	بدون زمان کتابت
۹۸ جلد (۷۷ درصد کل نسخ)	۲۰ جلد (۱۶ درصد کل نسخ)	۹ جلد (۷ درصد کل نسخ)

جدول ۲: توزیع زمانی نسخ دارای زمان کتابت مشخص

قرن (هجری قمری)	فراوانی	
هفتم	۴	۱
هشتم	۲	۲
نهم	۳	۳
دهم	۶	۴
یازدهم	۱۴	۵
دوازدهم	۱۳	۶
سیزدهم	۴۶	۷
چهاردهم	۱۰	۸
جمع	۹۸	

جدول ۳: توزیع زمانی نسخ دارای زمان کتابت تخمینی

قرن (هجری قمری)	فراوانی	
دهم	۳	۱
یازدهم	۳	۲
یازدهم یا دوازدهم	۱	۳
دوازدهم	۴	۴
سیزدهم	۶	۵
چهاردهم	۲	
جمع	۲۰	

جدول ۴: توزیع زمانی نسخ تاریخ‌دار به شکل کلی

فرآوانی و درصد (نسبت به کل نسخ تاریخ‌دار)	قرن (هجری قمری)	
۴ (۳درصد)	هفتم	۱
۲ (۵.۱درصد)	هشتم	۲
۳ (۲درصد)	نهم	۳
۹ (۶درصد)	دهم	۴
۱۷ (۱۴درصد)	یازدهم	۵
۱۹ (۱۶درصد)	دوازدهم	۶
۵۲ (۴۹درصد)	سیزدهم	۷
۱۲ (۹درصد)	چهاردهم	۸
۱۱۸	جمع	

به‌علاوه، از مجموع این ۱۲۷ نسخه، ۲۴ دست‌نوشته دارای نام کاتب‌اند: یک دست‌نوشته با نام کاتب احتمالی آن ثبت شده و سه دست‌نوشته نیز حاوی نامی ناقص و مخدوش از کاتبان خود هستند.

۳-۲. توزیع موضوعی

جدول ۵: توزیع موضوعی نسخ تاریخ‌دار به شکل کلی

فرآوانی و درصد	موضوع	
۳۲ (۲۶درصد)	نوشتارهای دینی	۱
۲۱ (۱۷درصد)	تذکره‌های ادبی	۲
۱۸ (۱۵درصد)	نوشتارهای گوناگون (موضوعات متنوع)	۳
۸ (۶درصد)	کتاب آموزشی	۴
۷ (۵درصد)	پزشکی	۵
۷ (۵درصد)	مسائل تاریخی	۶
۵ (۴درصد)	علم نجوم	۷
۴ (۳درصد)	تذکره‌های عارفانه و صوفیانه	۸
۴ (۳درصد)	شرح حال عالمان	۹
۲ (۲درصد)	علوم غریبه	۱۰
۱۹ (۱۴درصد)	نامشخص	۱۱
۱۲۷	جمع	۱۲

۴-۲. نگاهی مفصل‌تر به تذکره‌های این مجموعه (در معنای ادبی و اصطلاحی آن)

در این قسمت، به معرفی تفصیلی آن دسته از تذکره‌های موجود می‌پردازیم که اولاً فقط به شاعران و آثار آن‌ها پرداخته باشد یا اگر به موضوعات پراکنده هم می‌پردازد، بخشی مستقل و منسجم در باب احوال شاعران به همراه نمونه‌های آثار ایشان را در بر داشته باشد (به دیگر بیان، تذکره‌هایی که مثلاً فقط به شاهان، شاهزادگان، عرفا و خوشنویسان، قطع نظر از شاعر بودن ایشان پرداخته‌اند، در فهرست زیر معرفی نشده‌اند؛ حتی متونی شناخته‌شده و دارای ارزش ادبی چون تذکره الاولیای عطار)؛ ثانیاً از میان متون دارای یک نسخه فقط به آن دسته از تک‌نسخه‌ها پرداخته می‌شود که اطلاعات تفصیلی دارند؛ ثالثاً برای رعایت اختصار، بحث از تذکره‌های ادبی بی‌نشان (کتبی که مشخصات تفصیلی ندارند، نشان مؤلفشان معلوم نیست و فقط نامی شبیه تذکره‌های ادبی دارند) نیز در این قسمت آورده نمی‌شود. شماره‌های ثبت و بازیابی این نسخ در کتابخانه ملی به همراه مشخصات و توضیحات تکمیلی، در بخش پیوست همین مقاله آمده است.^۶ تذکره‌های این دسته که به معنی «اخص» تذکره‌اند، ۲۱ عنوان و ۵۹ دست‌نوشته را شامل می‌شوند:

جدول ۶: وضعیت کلی تعداد نسخ تذکره‌های ادبی

آثار چند نسخه	آثار تک نسخه	مجموع
۹ عنوان (۳۸ درصد) در ۴۷ نسخه	۱۲ عنوان (۶۲ درصد)	۲۱ عنوان

جدول ۷: توزیع تعداد نسخ در تذکره‌های ادبی

نام اثر / آثار	تعداد نسخه هر اثر	
تذکره الشعراء سمرقندی و تذکره الشعراء مشهور به آتشکده آذر	۱۱	۱
تذکره شعله	۱۰	۲
تذکره هفت اقلیم	۴	۳
تذکره الشعراء صادق آشتیانی	۳	۴
تذکره (تحفه سامی، تذکره انجمن خاقان، تذکره دلگشا و گلشن محمود)	۲	۵
۱۲	۱	۶
جمع	۵۹	

۴-۲-۱. قرن نهم

تذکره الشعرا سمرقندی یا تذکره دولتشاهی (اثر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی، تألیف ۸۹۲ق)

تذکره دولتشاه سمرقندی، حاوی شرح حال ۱۳۲ تن از شعرا با نمونه‌هایی از شعر آنها در یک «مقدمه»، هفت «طبقه» و یک «خاتمه» است: «مقدمه» در ذکر شعرای عرب. طبقه اول از رودکی تا عماد زوزنی؛ طبقه دوم از حکیم ارزقی تا سیف اسفرنگی؛ طبقه سوم از نظامی گنجوی تا عبدالقادر نائینی؛ طبقه چهارم از شیخ فریدالدین عطار تا میرمیدان کرمانی؛ طبقه پنجم از خواجه عماد فقیه کرمانی تا خواجه عبدالملک سمرقندی؛ طبقه ششم از سید نعمت‌الله ولی تا طالب جاجرمی؛ طبقه هفتم از امیر شاهی سبزواری تا خواجه محمود برسه و خاتمه از شش تن از افاضل عهد مؤلف (نک: میرانصاری، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۷۱۲-۷۱۴).

۴-۲-۲. قرن دهم

تحفه سامی (اثر سام بن اسماعیل حسینی مشهور به سام میرزا، تألیف ۹۵۷-۹۶۸ق)

این تذکره شامل یک «تنبیه»، هفت «صحیفه» و یک «ذیل» است که فهرست صحیفات هفتگانه آن چنین است: صحیفه اول: در ذکر شمه‌ای از احوال فرخنده‌مآل حضرت صاحبقران مغفور و اولاد و احفاد و سلاطین معاصر ایشان؛ صحیفه دوم: در ذکر سادات عظام و علمای افادات اعلام؛ صحیفه سوم: در ذکر اسامی سامی حضرت واجب‌التعظیم که اگر چه شاعر نبوده‌اند گاهی زبان به گفتن شعر می‌گشوده‌اند؛ صحیفه چهارم: در ذکر وزرای کرام و سایر ارباب قلم؛ صحیفه پنجم: در ذکر شاعران مقرر و فصحای بلاغت‌گستر؛ صحیفه ششم: در ذکر طبقه ترکان و شعرای مقرر ایشان؛ صحیفه هفتم: در ذکر سایر عوام و اختتام کلام (نک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۱۰-۲۴۸).

۴-۲-۳. قرن یازدهم

- تذکره نصرآبادی (اثر میرزا محمدطاهر نصرآبادی، تألیف ۱۰۸۳-۱۰۸۹)

مؤلف اثر خویش را در ۱۰۸۳ق آغاز کرده و تا ۱۰۸۹ق/۱۶۷۸م به تکمیل آن سرگرم بوده است. در این تذکره که به نام صفی میرزا معروف به شاه سلیمان صفوی تدوین شده، ترجمه احوال و گزیده سروده‌های نزدیک به یک هزار شاعر دوره صفویه و معاصر مؤلف گرد آمده است. این تذکره مشتمل است بر یک «مقدمه» (در ذکر شاهان و شاهزادگان)؛ پنج بخش با نام «صف» (به ترتیب حاوی احوال و اشعار امیران و خوانین ایران و هندوستان، مستوفیان، خوش‌نویسان و شاعران عراق، خراسان، ماوراءالنهر و هندوستان)؛ و «خاتمه» ای در ذکر تواریخ و لغز و معما از متقدمان و متأخران. «این کتاب علاوه بر احوال و اشعار شاعران دوره صفوی، حاوی اطلاعات ارزشمند دیگری نیز هست، از آن جمله: ذکر نام برخی از کتابداران و شیخ‌الاسلام‌های شهرهای مختلف، نام برخی مدرسه‌ها، محلات و روستاهای اصفهان، مساجد و مقابر امامزادگان، تکایای درویشان، برخی بازارها، بیمارستان‌ها، قبرستان‌ها و اشاره به برخی از بیماری‌های سخت آن روزگار، میزان مواجب دولتی، اسامی برخی از مشاغل، بعضی مجازات‌ها، چند اصطلاح دیوانی و اطلاعات کتابداری و کتاب‌شناسی و نیز ارتباط شاعران با قهوه‌خانه‌ها» (نک: حسنی، ۱۳۸۵ الف، ج ۱۴: ۷۱۵-۷۱۶).

- تذکره هفت اقلیم (امین احمد رازی، تألیف ۱۰۲۸ق)

این کتاب یکی از تذکره‌های بزرگ و جغرافیای‌های مفصل و کتابهای نفیس است و امین احمد در این تذکره عالم را بر طبق نگاه جغرافیای‌نویسان قدیم به هفت اقلیم تقسیم کرده و سپس ذیل هر اقلیم ضمن ذکر آثار فرهنگی و اسامی شهرها، مشایخ و اعیان شعرای آن ناحیه را مفصل شرح می‌دهد. رازی شرح حال و آثار شعری ۱۴۵۰ نفر از دانشمندان و شعرای و علمای جهان را طی شش سال در این اثر گرد آورده است و بنا بر ماده تاریخ زیر، سال تألیف این کتاب ۱۰۲۸ق است: «گر از تو کسی سؤال تاریخ کند / تصنیف امین احمد رازی گو»

۴-۲-۴. قرن یازدهم و دوازدهم

- تذکره الشعرا (اثر محمد محسن بن محمد صادق آشتیانی)

در این کتاب، از شعرای زیر یاد شده و اشعاری از آنها جمع‌آوری گردیده است: جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، ظهیرالدین فاریابی، ابوالفرج رونی، اثیرالدین اخسیکتی، امیر معزی، مسعود سلمان، انوری، خاقانی، ادیب صابر، رودکی، عنصری، سلمان ساوجی، نظیری نیشابوری، رشید و طواط، ابوبکر ازرقی، عثمان مختاری، کمال‌الدین اسماعیل، حکیم سنائی غزنوی، ناصر خسرو علوی، مولانا جلال‌الدین رومی و شیخ عطار.

- تذکره ریاض الشعرا (اثر علیقلی خان داغستانی، متخلص به واله، ۱۱۲۴-۱۱۷۰ق)

داغستانی می‌گوید به‌خلاف تذکره‌نویسان متقدم بدون فراهم آوردن مقدمات و ارتجالاً دست به تحریر این کتاب زده و قصدش آن بوده که از شعرای معاصر و درگذشته، نام آنان را که سزاوار نام‌آوری می‌دانسته برشمرد و از هریک، قصیده، غزلی یا قطعه‌ای را نیز نمونه آورد. او اساس تبویب کتاب را رعایت ترتیب حروف تهجی در تخلص هر شاعر قرار داده و برای هریک از حروف الفبا «روضه‌ای» گشوده و اگر در موردی تخلص فرد را نیافته، به شهرت شاعر بسنده کرده است. در آغاز نسخه، فهرستی از نام شاعران و نویسندگان (از شیخ ابوالحسن خرقانی تا یحیی خان افشار) آمده و در انتهای تذکره نیز احوال مؤلف ذکر شده است. به‌علاوه شایان ذکر است که در این متن، «خاقان» اشاره به شاه‌سلطان حسین صفوی و «خسرو» شاه‌تهماسب ثانی است.

- تذکره الشعرا مشهور به آشکده آذر (اثر لطفعلی بن آقاخان، مشهور به آذر بیگدلی

شاملو، تألیف ۱۱۸۰ق)

این تذکره دو «مجمره» دارد: مجمره نخست در ذکر اطوار و اشعار فصحای متقدمین و مجمره دوم در شرح احوال و نقل اقوال فصحای معاصرین. بخش اول، خود از یک «شعله»

با سه «اخگر» ترتیب یافته که به ذکر احوال و اشعار شاهان و شهزادگان هر دیار و امرای عالی‌مقدار ترک و جز آن و ذکر شعرای ایران و توران هندوستان می‌پردازد و هر «اخگر» نیز به‌نوبه خود چند «شراره» دارد و هر شراره به ذکر نام شاعران ولایتی اختصاص یافته (و ضمناً تحت هر شراره اسامی بلاد آن ولایت نیز می‌آید). در مجمره دوم نیز یک «فروغ» به حالات و مقالات زنان عفت‌دامان هر دیار اختصاص دارد که خود مشتمل است بر دو «پرتو»: در افکار یاران معاصر و در خاتمه کتاب (نک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۸-۲۱۰).

- تذکره اسحاق بیگ (اثر اسحاق بیگ عذری بیگدلی قمی شاملو، ۱۱۸۵ق)

گردآورنده این اثر (که تذکره شعله نیز نام دارد)، برادر کوچک‌تر لطفعلی بیگ آذربئیگی صاحب آتشکده آذر است که در جوانی در گذشته است. وی در این جنگ، اشعار آتشکده را به ترتیب الفبایی قافیۀ قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات مرتب کرده است و گاه در کنار مطلع اشعار و یا بعضی ابیات نام شاعر را آورده است. این کتاب دیباچه ندارد برخلاف نامش، تذکره شعرا نیست و ارزش آن صرفاً در شناخت بهتر ضبط‌ها و محتوای آتشکده آذر است و به همین دلیل در پیوست مقاله ذیل نسخ آن کتاب آمده است.

- تذکره شعرای عرب (از نویسنده نامعلوم، قرن ۱۲ق)

نسخه ناقص حاضر ظاهراً بخش مکمل از نسخه دیگری از تذکره شعرای فارسی‌زبان است. مؤلف در نسخه حاضر کوشیده است. با ارائه و ذکر احوال شعرای عرب تا قبل و بعد از اسلام، تذکره پیشین خود را تکمیل کند. مؤلف نخستین شاعر عرب را حضرت آدم ذکر نموده و مطالب با معرفی «خدیجه بنت ثابت الانصاری» خاتمه یافته است.

- تذکره مرآة الخیال (شیرعلیخان بن علی‌امجدخان لودی، تألیف ۱۱۰۲ق)

گرچه ظاهراً (در نگاه نخست به فهرست این تذکره) چهارده باب از ابواب پانزده‌گانه کتاب به موضوعاتی غیر از تذکره‌نگاری اختصاص دارد، در این اثر شرح حال ۱۳۰ شاعر ایرانی (شامل ۱۵ زن) با رعایت ترتیب زمانی از رودکی تا همدمی ذکر شده است (برای

اطلاعات فزون‌تر نک: حاجی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۱۱-۳۲۲).

— تذکرة المعاصرین (اثر محمد علی بن ابی‌طالب معروف به حزین لاهیجی، ۱۱۰۳—

(۱۱۸۰ق)

شمول زمانی این تذکره کوتاه، به روزگار مؤلف منحصر است و سرایندگان و دانشمندانی را در بر دارد که از ۱۱۰۳ق (که سال زایش اوست) چشم به جهان گشوده‌اند. این کتاب در یک «مقدمه» و دو «فرقه» ترتیب یافته است: مقدمه در سبب تألیف کتاب، فرقه اولی در ذکر بیست تن از علمای معاصر که سراینده نیز بوده‌اند (از صدرالدین مدنی تا صدرالدین جیلانی) و فرقه ثانیه در ذکر سایر شعرای معاصر بالغ بر هشتاد تن (از میرزا محمدطاهر تا میرزا محمود سبزواری) که مؤلف همگی را شیعه می‌داند.

— سرو آزاد (اثر میرغلامعلی بن نوح آزاد حسینی واسطی، مشهور به آزاد بلگرامی،

تألیف ۱۱۶۶ق)

تذکره‌ای است در دو فصل: فصل اول در ذکر صاحب‌طبعان فارسی، فصل ثانی در ذکر قافیه‌سنگان هندی. این کتاب در سال ۱۱۶۶ق تألیف شده است (نک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۹-۲۹۱).

۴-۲-۵. قرن دوازدهم و سیزدهم

— تذکره انجمن خاقان (اثر محمدفاضل گروسی مستخلص به راوی، محمد،

۱۱۹۸-؟-۱۲۵۲ق)

این تذکره در یک «مقدمه»، چهار «انجمن» و یک «خاتمه» تبویب شده و به زندگی و شعر شعرای معاصر فتحعلی‌شاه قاجار و ستایشگران او می‌پردازد.

— تذکره یخچالیه (محمدعلی بن ابوطالب مذهب، قرن ۱۲ و ۱۳ق)

شرح حال و نمونه اشعار تنی چند از شاعران معاصر مؤلف است که اشعاری هجوی و به زعم او مزخرف می‌ساختند. این اثر به نام محمدشاه قاجار نگاشته شده و در چند نوبت

به چاپ رسیده است. نسخه حاضر حاوی مقدمه‌ای کوتاه از محمدحسین فروغی است که نسخه را برای چاپ سنگی تصحیح و آماده می‌کرده است.

۶۲-۴. قرن سیزدهم

- انجمن آرا یا تذکرة اختر (اثر احمد متخلص به اختر، قرن ۱۳ق)

این اثر (حاوی تراجم احوال و نمونه آثار ۱۲۹ شاعر هم‌عهد مؤلف)، نتیجه سفر اختر به اصفهان، شیراز، یزد، تهران و خراسان و مجالست با بزرگان آن سرزمین‌هاست و گرچه تاریخ تألیفش به درستی دانسته نیست، می‌دانیم که مؤلف از ۱۲۲۵ق به فکر تألیفش بوده و با مرگش در ۱۲۳۲ق ناتمام می‌ماند و نشاطی برادر کوچک نویسنده تکمیل می‌شود و گروسی بخشی از تذکرة انجمن خاقان (که پیشتر بدان اشارت شد) را با اعتماد به همین تذکره فراهم کرده است (نک: میرانصاری، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۶۳)؛ اما شعرای مندرج در این تذکره عبارت‌اند از: آذر بیگدلی، اسیری، الفت، انیس، باقی، بیخود، بنده، میرزا ابوالقاسم، اسیر، بسمل، بیدل، بیمار، انور، تسلی، حسینی، حاجت، میرزا جواد، جلالی، حریف، خرد، خاوری، خرم، دانش، رفیق، میرزا محمدرضا، رهی، سحاب، ساغر، سالک، شیدا، شعله، شمس‌الدین، شیدا (آقامحمد)، شایق، شرر، شهاب، شحنة، صهبا، صبا، صباحی، صافی، علی، غیرت، فردی، فردوس، فروغی، عاشق، عذری، طلعت، طرب، طوفان، طایر، عاشق (آقا منصور)، عالی؛ عارضی و عاید. این کتاب، قبلاً به دست مرحوم دکتر عبدالرسول خیام‌پور به چاپ رسیده است.

- تذکرة دلگشا (اثر میرزا علی اکبر نواب شیرازی متخلص به بسمل رازی، تألیف

(۱۲۳۷ق)

نویسنده این تذکره از بیم از میان رفتن آثار شعرای بزرگ اما بی‌دیوان عصر خویش (به واسطه مرگ)، همواره اندیشه تدوین تذکره‌ای را در ذهن داشته تا آنکه به خدمت شاهزاده حسین‌علی میرزا می‌رسد و به خواهش او این کتاب را می‌نگارد که مرکب است از یک «گلزار»،

دو «بستان» و یک «خاتمه»؛ به شرح زیر: بوستان اول در ذکر احوال و اشعار شاهنشاه قاجار و شاهزادگان عظیم‌الشأن و امرای شوکت‌نشان؛ بوستان دوم: در شرح احوال و اشعار سایر شعرای معاصرین؛ خاتمه در ذکر احوال و آثار خود (نک: رستگارفسایی، ۱۳۷۱).

– تذکره نسوان (اثر آخوند ملامحمد صدیق، قرن ۱۳ق)

در این تذکره، زنان نامی عالم، شاعر و نویسنده (در عرب و عجم) یاد شده‌اند؛ برای نمونه، نام اغلب دختران با فضل فتح‌علیشاه قاجار در این رساله هست. نام این زنان به ترتیب حروف الفبا (حرف اول نام آن‌ها از الف تا یا) آمده و در آخر رساله، نام و شرح حال دو مرد نیز ذکر شده آمده است. ظاهراً اغلب مطالب آن برگرفته از کتاب خیرات حسان است.

– گلشن محمود (اثر محمود میرزا قاجار، ۱۲۱۴؟-۱۲۷۱ق)

در بردارنده شرح حال ۴۸ نفر از شاهزادگان دربار فتحعلی‌شاه با نمونه‌هایی از اشعار آن‌هاست که توسط محمودمیرزا گردآوری شده است. نسخه حاضر ابتدا شرح حال مؤلف را بیان کرده و بعد، تذکره‌نگاری را از شرح حال فتحعلی‌شاه شروع می‌کند.

۴-۲-۷. قرن سیزدهم و چهاردهم

– خلاصه تذکره محمدشاهی (اثر بهمن میرزا قاجار، ۱۲۲۵-۱۳۰۱ق)

این تذکره حاوی شرح حال سه طبقه از شاعران است: طبقه نخست در ذکر متقدمین؛ طبقه دوم در افکار خاقان و احوال بعضی شاهزادگان؛ طبقه سوم در احوال معاصران.

۴-۲-۸. قرن چهاردهم

تذکره الشعرا (اثر جهانگیر، قرن ۱۴ق)

در این تذکره، مؤلف اشعاری از شاعران معاصر خویش و ساکن اصفهان را گرده آورده که به نام صاحب دیوان (میرزافتحعلی‌خان شیرازی) و مظفرالدین‌شاه زده‌اند. فهرست شعرای این تذکره در ابتدای نسخه آمده است. تعدادی از این اشعار بر وزن ابیاتی از سعدی و حافظ هستند که در این صورت، ابتدا سروده‌های این بزرگان و سپس اشعار معاصران خود

را آورده است.

۹-۲-۴. زمان نامعلوم

تذکره شعرای ری (از نویسنده نامعلوم)

نسخه حاضر دست‌نوشته‌ای جدید در دو قسمت است که به زندگی‌نامه و قسمتی از اشعار شعرای مردم ری و نیز معرفی برخی از شاعران زن این سامان پرداخته است.

۳. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

یکم. از دیرباز تاکنون، واژه «تذکره» در نام‌گذاری کتب به سه معنای «عام» (اشاره، تذکر، یادآوری، یادکرد و مانند آن)، «خاص» (شرح حال فضلا، بزرگان و اهل قلم؛ اعم از ادیبان، علما و جز آن)، و «اخص» (به‌عنوان اصطلاحی در اشاره به کتب حاوی شرح احوال و نمونه آثار ادبا؛ غالباً شعرا و کمتر نثرنویسان) به کار رفته است.

دوم. مقاله حاضر در مقدمات و مباحث ابتدایی بر معنای نخست تکیه دارد و ۱۲۷ دست‌نوشته مصدر به واژه تذکره یا در موضوع آن را برمی‌رسد؛ در توزیع موضوعی به کتب دسته دوم (شامل ۲۱ تذکره ادبی و ۸ تذکره مربوط به عرفا و علما) نیز اشارتی دارد و در بخش فرجامین متن بر بررسی تفصیلی معنای سوم (تذکره‌های ادبی و شعری) می‌پردازد؛

سوم. با توجه به وظیفه ذاتی مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از یک سو، و اهمیت ویژه علمی، فرهنگی، تاریخی و هویتی نسخ خطی (و مخصوصاً تذکره‌ها) از دیگر سو، این مجموعه آمادگی کامل دارد گنجینه نسخ و تذکره‌های خویش را در اختیار محققان بگذارد. به‌علاوه از آنجا که دارایی روبه‌فزونی بخش نسخ خطی و به‌طور خاص تذکره‌ها، اهمیتی ویژه در نسخ سده‌های یازدهم تا چهاردهم قمری دارد، واکاوی این مجموعه می‌تواند به شناخت ادب و فرهنگ عهدهای صفویه تا قاجار (و به‌ویژه قاجار) یاری بسیار رساند.

چهارم. با عنایت به تمام مطالب یادشده، توجه به مسائل زیر به‌منظور تکمیل تحقیقات

تذکره‌پژوهان تا کنون شایسته به نظر می‌رسد:

- مطالعه داشتن نقش کلیدی تذکره‌های شعری فارسی در فهم و ترسیم سیر و تحول شعر جوامع فارسی‌زبان؛
- مطالعه تذکره‌ها به‌عنوان اسناد شناساننده وضع اجتماعی- فرهنگی قرون گذشته؛
- شناسایی، تصحیح و تحلیل تذکره‌های دارای مؤلفان نقاد در ترسیم پیشینه و تاریخچه نقد ادبی در قلمرو تمدن فارسی‌زبان (و به‌ویژه هند که در این زمینه سابقه‌ای درخشان دارد)؛
- بازخوانی تذکره‌ها و حکایات و افسانه‌های مندرج در لابه‌لای سطور آن‌ها با آرای نوین دانش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی به هدف شناخت کامل‌تر و علمی‌تر روحيات جمعی و قومی فارسی‌زبانان؛
- درنگ در اهمیت‌گزینش (نمونه‌های شعری تذکره‌های ادبی در مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات و جامعه‌شناسی (مبحث «جامعه‌شناسی ذوق ادبی»))؛
- واکاوی مبحث کمتر مورد توجه ویژگی‌های خوشنویسی، تذهیب و به‌طور کلی، نحوه کتابت و کتاب‌سازی در گذشته؛
- واکاوی تذکره‌های «اخص» کتابخانه ملی (شامل ۲۱ عنوان و ۵۹ دست‌نوشته) و معرفی، نقد و تصحیح آن‌ها.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه نک: نقل مسعودی از سخن حاجی خلیفه در کشف‌الظنون که به ۷۷ کتاب عربی مصدر «تذکره» اشاره دارد (نک: مسعودی، ۱۳۸۵: ۷۱۶).
۲. در باب این اصطلاحات نک: تقوی، ۱۳۴۳: ۸-۱۴.
۳. برای تکمیل بحث نخستین بودن لباب الالباب نک: تقوی، ۱۳۴۳: ۱۵-۱۸. همچنین در باب نوشتارهایی که تذکره‌گونه‌اند اما تذکره نیستند (نک: زرقانی، ۱۳۸۸: ۳۳-۵۲).
۴. برای اطلاعات فزون‌تر در این باب نک: شفیع‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۱-۶۶ و ۱۰۳-۳۸۱؛ نیز: همو، ۱۳۷۲:

۵. در این بخش و آمار و جداول مربوط بدان، همه نوشتارهای بازیابی شده مُصَدَّر به واژه تذکره ملاک قرار گرفته و مطالعه شده‌اند و سپس در انتهای متن (پیش از نتیجه‌گیری)، به تذکره‌ها در معنی «اخص» (تذکره‌های ادبی) پرداخته شده و اطلاعات این دسته از تذکره‌ها نیز عیناً و با حفظ ترتیب مندرج در متن، در بخش «پیوست» آمده است.
۶. در این بخش، ترتیب ذکر نسخ بر اساس قرن و سپس (در نسخ هم‌عهد) بر اساس ترتیب الفبایی نام کتاب است و همین ترتیب عیناً در پیوست‌ها نیز رعایت شده است.

منابع

۱. ترابی، محمد (۱۳۷۴)، *تاریخ ادبیات ایران* [تلخیص تاریخ ادبیات در ایران از ذبیح‌الله صفا]، چ ۲، تهران: فردوس.
۲. جر، خلیل (۱۳۷۸)، *فرهنگ لاروس (عربی - فارسی)*. ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث، ترجمه حمید طیبیان، چ ۱۸، تهران: امیرکبیر.
۳. حاجی‌زاده، حسین (۱۳۸۰)، «تذکره مرآت الخیال»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۴۵، شماره ۱۵۷، ۳۱۱-۳۲۲.
۴. حسنی، حمید (۱۳۸۵ الف)، «تذکره نصرآبادی»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، چ ۱، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۵. حسنی، حمید (۱۳۸۵ ب)، «تذکره نویسی»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، چ ۱، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۶. دبیرسیاقی، محمد [مصحح] (۱۳۳۶)، *فرهنگ آندراج*، چ ۱، تهران: کتابخانه خیام.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۸. رستگارفسائی، منصور [مصحح] (۱۳۷۱)، *تذکره دلگشا*، چ ۱، شیراز: کتابخانه نوید.

۹. زرقانی، مهدی (۱۳۸۸)، *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی*، چ ۱، تهران: سخن.
۱۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶)، *قانون اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*، چ ۱، تهران: اداره کل انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *شاعر آینه‌ها*، چ ۱، تهران: آگه.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *شاعری در هجوم منتقدان*، چ ۱، تهران: آگه.
۱۳. فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، *نقد ادبی در سبک هندی*، چ ۱، تهران: سخن.
۱۴. فتوحی، محمود، و محمدافشین وفاپی (۱۳۸۸)، «مخاطب‌شناسی حافظ در سده‌های هشتم و نهم هجری بر اساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک»، *مجله نقد ادبی*، سال دوم، شماره ۶، ۷۱-۱۲۶.
۱۵. گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰)، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. مرادی، نورالله (۱۳۷۲)، *مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع*، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۷. میرانصاری، علی (۱۳۷۷)، «اختر، احمد بیک گرجی»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، چ ۱، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۸. میرانصاری، علی (۱۳۸۵)، «تذکره الشعراء»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، چ ۱، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۹. نقوی، سید علیرضا (۱۳۴۳)، *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، چ ۱، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۲۰. وب‌گاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به نشانی: www.nlai.ir/